

جایگاه بلند امامت و پیامدهای غفلت از ولی خدا

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سعید روستاآزاد*

مقدمه

بر اساس آیات قرآن و روایات، در قیامت هر کسی به سمت پیشوا و رهبر خویش خوانده می‌شود: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»^۱ (به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم. کسانی که نامه عمل‌شان به دست راست‌شان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند و به قدر رشته شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود». از این رو بایسته است مقام سترگ و گرانسنگ امامت و ولایت را بشناسیم تا در مسیر زندگی دنیا و آخرت دچار مشکل نشویم؛ زیرا همان‌گونه که شناخت و پیروی از ولایت موجب سعادت دنیا و آخرت می‌شود، غفلت از ولایت و جدایی از امام معصوم علیه السلام خسارت جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. در این نوشتار ابتدا به مقام و جایگاه بلند امامت و سپس به پیامدهای غفلت از آن اشاره می‌شود.

امامت، جریان ساری و جاری

امامت، جریانی ساری و جاری است و فقط به دوران حضور امام معصوم علیه السلام در جامعه محدود نمی‌شود؛ بلکه دوران غیبت امام علیه السلام را نیز در بر می‌گیرد. در واقع یکی از مبانی اساسی امامت و ولایت، اعتقاد به ضرورت وجود حجت الهی در هر عصر است. بر اساس این اعتقاد، خداوند از ابتدای آفرینش تا روز قیامت همواره انسان‌های شایسته‌ای را به عنوان حجت‌های خود بر مردم برگزیده است و انسان‌ها هیچ‌گاه از این حجت‌ها بی‌نیاز نمی‌شوند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ كَانَتْ مِنْ حُجَّةٍ عَالَمٍ يُحْيِي فِيهَا مَا يُمَيِّتُونَ مِنْ

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

الْحَقُّ؛^۱ زمین - از همان گاه که پدید آمده - از حجتی دانا که هر حقی را که مردم به دست فراموشی می سپارند، زنده کند؛ تهی نبوده است». مطابق حدیث امام صادق علیه السلام، یکی از ویژگی های ممتاز حجت های خداوند، معیار و شاخص بودن آن انوار مقدس برای شناسایی حق از باطل و معروف از منکر هستند. مردم برای اینکه بدانند آنچه در زندگی فردی و اجتماعی آنها می گذرد، حق یا باطل و معروف یا منکر است، باید به آن انوار الهی رجوع کنند.

آگاهی امام علیه السلام از اعمال مردم

از منظر قرآن کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام ناظر اعمال ما هستند: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»^۲ و بگو: عمل کنید یقیناً خدا و پیامبرش و مؤمنان اعمال شما را می بینند». در تفسیر این آیه آمده است: «در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با توجه به اخبار فراوانی که از امامان رسیده، عقیده معروف و مشهور بر این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام از اعمال همه امت آگاه می شوند؛ یعنی خداوند از طرق خاصی اعمال امت را بر آنها عرضه می دارد».^۳ بنابراین انسان مسلمان در تمامی لحظات زندگی خویش در محضر و منظر ولی خداست.

شان برجسته امام

امامت، یکی از اصول دین است؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «بُنِيَ الْاِسْلَامُ عَلٰى خَمْسٍ عَلٰى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَتَّادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُودِي بِالْوَلَايَةِ»؛^۴ اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و هیچ يك از آنها آن گونه که ولایت مطرح شده است، مطرح نشده است». بنا بر این حدیث شریف، قوام نماز و روزه و حج به ولایت است.

اهمیت امامت تا آنجاست که حضرت ابراهیم علیه السلام با آن مقامی که دارد و در آیات قرآن به عنوان اسوه و الگو برای همگان مطرح شده است، پس از رسیدن به مقام نبوت و سرافراز بیرون آمدن از آزمایش های متعدد به مقام امامت رسید: «وَ اِذْ اَبْتَلٰ اِبْرٰهِيْمَ رَبُّهُ بِكَلِمٰتٍ فَاَتَمَّهِنَّ قَال

۱. محمد بن علی صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۲۱.

۲. توبه: ۱۰۵.

۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۲۵؛ نیز ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۰۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸.

إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛^۱ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم». امامت، عهد و میثاقی از سوی خداست که هرگز به ظالمین نمی‌رسد: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ؛^۲ پیمان من به ظالمان نمی‌رسد»؛ یعنی حتی اگر در نسل حضرت ابرهیم علیه السلام نیز ظالمی وجود داشته باشد، هرگز به مقام امامت نخواهند رسید؛ زیرا امامت، امامتی از جانب خدا و عهد اوست و فرد ظالم صلاحیت این امانت و عهد را ندارد و تنها انسان‌های پاک و پرهیزگار به این مقام می‌رسند.

ابعاد تکوینی و تشریحی امام

امامت، ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد که توجه به همه ابعاد آن بایسته و شایسته است. در بعد تکوینی بارش باران، تابش خورشید و مهتاب و نظام آسمان و زمین به وجود شریف امام علیه السلام وابسته است؛ چنانکه در زیارت جامعه کبیره بدان تصریح شده است: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَيَكْشَفُ الضَّرَّ». مطابق این بندهای دعا، عالم وجود یعنی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنها است، به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام و ائمه طاهرين علیهم السلام است. اگر بارانی بیارد، به واسطه آن‌هاست. هر نعمتی چه ظاهر و چه باطن که از طرف حق تعالی به آدمی برسد، به واسطه امام علیه السلام است. به سبب وجود امام علیه السلام است که زمین پابرجاست. اگر بهشت وجود دارد، از نور زهرا علیها السلام است. نعمت‌های این دنیا به واسطه فیض وجود حضرت ولی عصر علیه السلام است؛ از این رو حضرت قطب عالم امکان، محور عالم وجود و واسطه بین غیب و شهود است: «وَبِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَيَكْشَفُ الضَّرَّ»؛ یعنی اگر مصیبتی یا بلایی، غم و غصه‌ای از کسی رفع شود، عامل آن شما اهل بیت علیهم السلام هستید.

آیت الله جوادی آملی معتقد است اینکه ما امام رضا علیه السلام را با عنوان «سلطان سریر ارتضاء، سلطان پایتخت رضایت» خطاب می‌کنیم؛ از این روست که اگر در عالم کسی از فرد دیگری راضی شود، با اجازه امام رضا علیه السلام است. انسان‌های عادی می‌توانند راضیه و مرضیه شوند، اما نمی‌توانند مقام رضا را به دست آورند؛ زیرا این مقام به معصومین علیهم السلام اختصاص دارد.

هیچ کسی در عالم کسی را راضی نمی‌کند و کسی از چیزی راضی نمی‌شود و نعمتی به هیچ کس نمی‌رسد که او خوشحال شود، مگر به وساطت امام رضا علیه السلام، رضا یعنی همین. مظهر

۱. بقره: ۱۲۴.

۲. همان.

راضی بودن، مظهر هو الراضی بودن، مظهر رضوان این است. اگر کسی توفیقی پیدا کرد که مشکل دیگری را حل کرد، دیگری را راضی کرد، به وساطت رضاست و اگر بیماری درمان شد و خوشحال شد، به وساطت رضاست و اگر جاهلی عالم شد، به وساطت رضاست و اگر گرفتاری آزاد شد، به وساطت رضاست.^۱

در بعد تشریحی نیز امام علیه السلام دارای شؤونی از شؤونات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است؛ شؤونی همچون تبیین آیات الهی^۲ و رفع اختلاف^۳ فقط به دست امام معصوم علیه السلام امکان‌پذیر است.

محوریت امام علیه السلام

در قرآن کریم افزون بر آیاتی همچون آیه ولایت، آیه مباحله، آیه غدیر و... که به صورت روشن و صریح بر امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام منطبق است، آیات دیگری نیز وجود دارد که با ظرافت و زیبایی هر چه تمام به محوریت امامت و ولایت اشاره دارد. با کمک روایات می‌توان به عمق و ژرفای این دسته از آیات دست یافت. اینک به چند نمونه از این آیات اشاره می‌شود:

- «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید، انفاق کنید».

اگر چه معنای ظاهری آیه بیان رسیدن به خیر از طریق انفاق است، اما بنا بر روایات «بر مطلق» ولایت و امامت اهل بیت علیهم السلام است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام در معنای این آیه فرموده است: «فَتَحْنُ أَهْلَ الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ سُبُلَ الْهُدَى»؛ پس ما اهل تقوا و پرهیزکاری و راه‌های هدایت هستیم». بنابراین مطابق این آیه شریفه، امام علیه السلام به عنوان مطلق نیکی و خیر معرفی شده است؛ یعنی اگر انسان به دنبال خیر مطلق، برترین نیکی‌ها و خوبی‌هاست، آن را تنها می‌تواند در خانه

۱. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «پادکست؛ امام رضا علیه السلام، سلطان سریر رضا»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۸، کد خبر: ۴۰۲۳۹۶۴. <https://iqna.ir/fa/news/4023964>

۲. نحل: ۴۴: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است، برای آن‌ها روشن سازی و شاید اندیشه کنند».

۳. نحل: ۶۴: «وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند».

۴. آل عمران: ۹۲.

۵. نعمان بن محمد ابوحنیفون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۵۸.

اهل بیت علیهم السلام بیاید.

– «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^۱ نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند، آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارند».

واژه «البرّ» به معنای نیکی و خیر مطلق است. به طور طبیعی و طبق روال باید آیه بدین صورت باشد: «لكن البرّ الايمان بالله»، اما به جای آن به صراحت فرمود: «لَيْسَ الْبِرُّ مَنْ آمَنَ...»؛ یعنی نیکی مطلق به معنای کسی است که ایمان آورده است. پس اگر دنبال ایمان هستید، به دنبال قله ایمان و اهل بیت علیهم السلام باشید و سپس در ادامه آیه به ویژگی‌ها و صفات مؤمنان حقیقی می‌پردازد.

– «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»^۲ و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه‌ها از در [ورودی] آن‌ها درآیید».

بنابر این آیه شریفه نیکی، انسان متقی و پرهیزکاری است که در قله تقوا ایستاده است. خداوند می‌فرماید برّ و نیکی این نیست که اگر می‌خواهید به خانه‌ای وارد شوید، از پشت خانه وارد شوید. کسی که بخواهد وارد منزلی شود، درب منزل را می‌زند و پس از کسب اجازه وارد خانه می‌شود. در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبْوَابِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ»^۳ من شهر علم هستم و علی، در آن شهر است. هر که به دنبال علم است، باید از

۱. بقره: ۱۷۷.

۲. بقره: ۱۸۹.

۳. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۳.

این در وارد شود». بنابراین کسی که فرد دیگری را بر امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام ترجیح می‌دهد، دچار انحراف و گمراهی دینی شده است.

همان‌گونه که ملاحظه شد، در این سه آیه واژه «البرّ» به معنای نیکی مطلق به کار رفته است که بر اساس روایاتی که با این آیات مرتبط است، نشان می‌دهد که این واژه جایگاه والا و اساسی امام علیه السلام را مدنظر قرار داده‌اند. این آیات بیانگر آن هستند که اگر دنبال نیکی مطلق هستید، ببینید ایمان در وجود چه کسی محقق شده است. در همه این آیات، برّ و تمام نیکی نه فقط اعمال صالح، بلکه به تعبیر قرآن «مَنْ آمَنَ» و یا «مَنْ اتَّقَى» است.

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَشْفَعُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»^۱ آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بپدادگران را هدایت نخواهد کرد».

در شأن نزول این آیه آمده است: عباس بن عبدالمطلب به سبب عهده‌داری سقایت حاجیان و طلحه بن شیبه به سبب کلیدداری کعبه و عمارت مسجدالحرام بر یکدیگر فخر می‌فروختند. با ورود امام علی علیه السلام، آن حضرت را داور قرار دادند. امام علیه السلام خود را به سبب سبقت در ایمان میان مردان این امت، هجرت، جهاد در راه خدا و نمازگزاردن به سوی دو قبله با پیامبر صلی الله علیه و آله، برتر از هر دو خواند. عباس و طلحه خصومت میان خود و برتری امام علی علیه السلام بر خویش را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله سکوت کرد تا این آیه نازل شد.^۲

این آیات نشان‌دهنده محوریت امامت است. از همین روست که بزرگان و علما همواره تأکید می‌کنند راز باز شدن گره‌های زندگی و مشکلات در مجالس امامان علیهم السلام به‌ویژه اباعبدالله الحسین علیه السلام است؛ زیرا انسان در این مجالس به معدن نور متصل می‌شود. زهیر، عثمانی مذهب و معتقد بود امیرالمؤمنین علیه السلام در کشته شدن عثمان دخالت داشته است، اما هنگامی که در مسیر امام حسین علیه السلام قرار گرفت و نفس امام علیه السلام به او خورد، توانست تا بالاترین درجه کمال و سعادت صعود کند. حُر بن یزید ریاحی نیز که مأمور بازداشت امام حسین علیه السلام بود، به سبب ادبی که به خرج داد و وقتی امام علیه السلام به او فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، پاسخی نداد و به سبب نفس

۱. توبه: ۱۹.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۰۵.

امام علیه السلام به سعادت اخروی دست یافت. در روزگار ما نیز انسان‌های بزرگ، علما و رزمندگان و شهدای عزیز ما همواره در شناخت و توسل به اهل بیت علیهم السلام پیشگام بودند. آنان به درستی به این معرفت رسیده‌اند که برای رسیدن به رستگاری ابدی و قرب حضرت حق باید از مسیر اهل بیت علیهم السلام وارد شوند. حاج حسین خوش احوال، خادم حرم امام رضا علیه السلام می‌گوید:

یکی از روزها که قرار بود شست‌وشوی حرم انجام شود، وارد روضه منوره شدیم. طبق همان عادت همیشگی بنا کردیم به آماده‌سازی فضا. دیدم حاج قاسم وارد شد؛ خیلی ساده و خودمانی. اشاره کردند هیچ نگو. بعضی رفقا متوجه حضور او شدند و بعضی هم متوجه نشدند و ما شروع کردیم شعر معروفی را که زمزمه عاشقانه و خیلی ساده است و شاید ایراد فنی ادبیاتی هم داشته باشد، خواندیم:

ای صفای قلب زارم، هر چه دارم از تو دارم

تا قیامت ای رضاجان، سر ز خاکت بر ندارم

منم خاک درت غلام و نوکرت

مران از در مران به جان مادرت علی موسی الرضا..

قبل از اینکه من شروع کنم این شعر را بخوانم، تی را دادم به حاجی. حاجی که شروع کرد به شست‌وشو، من شروع کردم به خواندن این شعر. دیدم تی را گذاشت کنار، سرش را گذاشت کنار ضریح و شروع کرد به گریه.^۱

امثال حاج قاسم سلیمانی با عشق و معرفت به اهل بیت علیهم السلام و گریه و اشک در درگاه آن انوار طیبه، به این مقامات بلند دست یافتند.

پیامدهای غفلت از امام و ولی خدا

جدایی از امام علیه السلام موجب بروز خسارت‌هایی در دنیا و آخرت برای انسان می‌شود که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ضلالت و شقاوت

غفلت و جدایی از امام علیه السلام، عواقب و آثار سهمگین و جبران‌ناپذیری به دنبال دارد؛ چنانکه در

۱. خیرگزاری دانشجویان ایران، «ماجرای توسل حاج قاسم و مهدی باکری به امام رضا علیه السلام»، ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، کد خبر: ۱۴۰۰۰۷۱۵۱۰۰۹۶.

زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَصَلِّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَارَزَ مِنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَآمِنَ مِنْ لَجَأِ إِلَيْكُمْ وَ سَلِمَ مِنْ صَدَقَتِكُمْ وَ هُدِيَّي مَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ؛^۱ و گمراه شد آن که از شما جدا گشت و رستگار شد آن که به شما چنگ زد و ایمن گشت آن که به درگاه شما پناه آورد و سلامت یافت هر که شما را تصدیق کرد و هدایت شد هر که به شما چنگ زد»

ضلالت در برابر هدایت است. کسی که با امامت است و در عرصه‌های فردی، اجتماعی سیاسی و ... از امام علیه السلام ولی جدا نمی‌شود، راه را یافته و سعادت‌مند است و کسی که از این مسیر جدا می‌شود، به بیراهه رفته و به مقصد نمی‌رسد. خداوند این چراغ‌ها را در دسترس انسان‌ها قرار داده است. گروهی سعادت آن را دارند که سراغ این چراغ‌های پرفروغ جهان هستی بروند، قلب‌هایشان از آنان نور بگیرند، راه سعادت را بشناسند، در آن مسیر حرکت کنند و به مقصد برسند: «وَفَارَزَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ». گروهی نیز از سر ناآگاهی خود را از این انوار پاک محروم می‌کنند و به بیراهه می‌روند: «وَصَلِّ مَنْ فَارَقَكُمْ». رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرموده است: «وَمَنْ تَمَسَّكَ بِعِزَّتِي مِنْ بَعْدِي كَانَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ كَانَ مِنَ الْهَالِكِينَ؛^۲ و هر کس بعد از من به عزتم تمسک جوید، از رستگاران خواهد بود و هر کس از ایشان تخلف کند، از هلاک شونده‌گان خواهد بود».

شهید سلیمانی در وصیت‌نامه‌اش خداوند را بر نعمت محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام سپاس می‌گوید و می‌نویسد:

خداوندا! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق! پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مرا در مسیر فاطمه اطهر علیها السلام و فرزندانش در مذهب تشیع - عطر حقیقی اسلام - قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابیطالب علیهم السلام و فاطمه اطهر علیها السلام بهره‌مند نمودی؛ چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت‌هایت است؛ نعمتی که در آن نور است، معنویت، بیقراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد، غمی که آرامش و معنویت دارد.^۳

هر که او بی‌مرشدی در راه شد او ز غولان گمراه و در چاه شد^۴

۱. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲. علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر علیهم السلام، ص ۲۲.

۳. شبکه اطلاع‌رسانی دانا، «چرا حاج قاسم سردار دل‌ها شد؟»، ۱۳۹۹/۱۰/۰۸، کد خبر: ۱۶۸۱۸۶۳.

<https://www.dana.ir/news/1681863.html>

۴. بدیع الزمان فروزانفر، احادیث معنوی، ص ۳۰.

پیر را بگزین که بی‌پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر^۱

۲. انحرافات اجتماعی

غفلت از امامت با ابعاد گسترده تکوینی و تشریحی، موجب بروز انحرافات و اتفاقات ناخوشایند و سهمگینی در جامعه اسلامی می‌شود؛ مانند انحرافات جدی که در صدر اسلام رخ داد و موجب شکل‌گیری حادثه عاشورا شد. این انحرافات و اتفاقات ناخوشایند پایه‌گذار بدعتی بزرگ در جهان اسلام شد که به موجب آن، مشکلات و ناهنجاری‌های بسیاری در درون جامعه اسلامی به وجود آمد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- دامن زدن به تعصب‌های قومی و قبیله‌ای؛

- ترویج و رشد اندیشه دنیاپرستی؛

- خلط میان مقبولیت و مشروعیت در خصوص امر جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛

- در هم شکستن حرمت بزرگان و شایستگان و در نتیجه تقوق و برتری نالایقان و به حاشیه

راندن شایستگان؛

- استحاله ارزش‌ها؛

- پیدایش و ایجاد حکومت بنی‌امیه، تقویت پایه‌های حکومت بنی‌امیه؛

- بی‌توجهی یا کم‌توجهی به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و ...

اگر القاه و شایعات علیه شایستگان و تخریب شخصیت افراد موجه و نیز موجه جلوه دادن شخصیت‌هایی همچون معاویه نبود، مردم راه حق و صواب را می‌یافتند و به آن وارد می‌شدند؛ اما هیئات که نتیجه سیر به وجود آمده، انحراف و جدایی مردم از حق و حقیقت یعنی اهل بیت علیهم السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و گرایش به باطل‌های حق‌نمایی همچون معاویه شد. این انحراف موجب شد لباس حق بر اندام باطل پوشانده شود. باطل در کسوت خلافت اسلامی با ابزارهایی مانند زر، زور، تزویر و تدلیس چهره زیبای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را ناموجه نشان داد و با نشر اکاذیب و تخریب شخصیت‌شان، ایشان را از اوج شهرت به غربت و عزلت کشاند. غربت و انزوا و مظلومیت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و به‌ویژه حضرت سیدالشهدا علیه السلام، حلقه آخر این روند بود. فاجعه جانسوز و غمبار شهادت امام حسین علیه السلام، معلول گریزناپذیر علل پیشین و سوء ختامی به دنبال حوادث رخ داده در نیم‌قرن پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

۱. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۲۹۴۳.

از همین رو بایسته است خانواده‌های متدین در خانه و برای فرزندان خود به تبیین و توضیح ابعاد گسترده امامت پردازند تا فرزندان ضمن شناختن حقیقت وجودی امام علیه السلام، با حقیقت انحرافات صدر اسلام آشنا شوند و هدف شکل‌گیری این انحرافات را که قطع ارتباط انسان با خداست، به خوبی بشناسند.

فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

۱. ابوحنیفون، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تصحیح آصف فیضی، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل‌البت علیه السلام، ۱۳۸۵ق.
۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تصحیح محمدباقر محمودی، چاپ اول، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر علیهم السلام، تصحیح عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۴. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۵. _____، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۶. _____، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبائی، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

سایت‌ها

۱. خبرگزاری بین‌المللی قرآن، «پادکست؛ امام رضا علیه السلام، سلطان سریر رضا»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۸، کد خبر: ۴۰۲۳۹۶۴.
۲. خبرگزاری دانشجویان ایران، «ماجرای توسل حاج قاسم و مهدی باکری به امام رضا علیه السلام»، ۱۴۰۰/۰۷/۱۵، کد خبر: ۱۴۰۰۰۷۱۵۱۰۰۹۶.
۳. شبکه اطلاع‌رسانی دانا، «چرا حاج قاسم سردار دل‌ها شد؟»، ۱۳۹۹/۱۰/۰۸، کد خبر: ۱۶۸۱۸۶۳.